

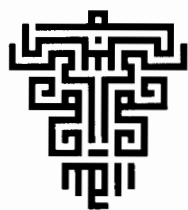


ادبیاتِ کمال

زندگی، آثار، افکار و میراثِ معنوی
سید محمد نور بخش

عارفِ صدر (۱۲۹۵-۱۳۶۹ هجری)

جمشید جلالی پور





www.molapub.com



[molapub](https://www.instagram.com/molapub)



<https://t.me/molapub>



زندگی، آثار، افکار و میراث معنوی
سید محمد رفیع بخش
عارف و مؤلف (۱۳۹۵-۱۳۶۹ هجری)

جمشید جمالی پور

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد پادگار امام خمینی - شهرری



آثار ملی

سرشناسه: جلالی شیجانی، جمشید، ۱۳۵۳.

عنوان و نام پدیدآور: آینه جمال: زندگی، آثار، افکار و میراث معنوی سیدمحمد نوربخش عارف سده نهم

هجری (۷۹۵-۸۶۹) جمشید جلالی شیجانی.

مشخصات نشر: تهران: مولى، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۱۷۴ ص.

شابک: 978-600-339-137-6

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه، ص: ۱۳۳، ۱۵۲.

یادداشت: نمایه.

عنوان دیگر: زندگی، آثار، افکار و میراث معنوی سیدمحمد نوربخش عارف سده نهم هجری (۷۹۵-۸۶۹).

موضوع: نوربخش خراسانی، سیدمحمد بن محمد، ۷۹۵-۸۶۹ هجری.

موضوع: عارفان -- ایران -- سرگذشتنامه

موضوع: Mystics -- Iran -- Biography

رده بندی کنگره: BP۲۹۳/۳۴

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۸۸۸

شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۱۰۴۳۳

وضعیت رکورد: فیبا



انتشارات مولی

تهران: خیابان انقلاب-چهارراه ابوریحان-شماره ۱۱۵۸، تلفن: ۰۲۲۴۳۰۹۶۶۴-نمابر: ۰۷۹۶۶۴۰۰۰

وب سایت: www.molapub.com • اینستاگرام: molapub • تلگرام: molapub • ایمیل: molapub@yahoo.com

آینه جمال • زندگی، آثار، افکار و میراث معنوی سیدمحمد نوربخش

جمشید جلالی شیجانی، دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام (ره) سهری

چاپ اول: ۱۴۰۰=۱۴۴۲ • ۵۲۰ نسخه • ۳۴۲/۱
۱۴۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۹-۱۳۷-۶ ISBN: 978-600-339-137-6

طرح جلد: علی اسکندری • حروفچینی: دریاچه کتاب • لیتوگرافی و چاپ: کامیاب • صحافی: نوری

کلیه حقوق مربوط به این اثر محفوظ و متعلق به انتشارات مولی است



فهرست مطالب

پیش گفتار	یازده
مقدمه	سیزده
فصل اول:	۱-۳۴
۱. نگاهی به اوضاع سیاسی، اجتماعی و مذهبی مقارن ظهور نوربخش	۱
۲. زندگی سیدمحمد نوربخش از تولد تا مرگ	۵
۳. تحصیل علوم رسمی و استادان وی	۷
۴. از مدرسه به خانقاه و پیوستن به طریقه کبرویه	۸
۵. خروج و قیام علیه شاهرخ	۹
۶. دوران رنج و مشقت	۱۰
۷. دوران آرامش و تربیت مریدان در گیلان و سولقان	۱۴
۸. خانواده نوربخش	۱۶
فصل دوم: آثار نوربخش	۳۵-۵۵
مقدمه	۳۵
۱. معرفی آثار	۳۵
۱-۱-۱ رساله‌های بلند با موضوعات گوناگون	۳۶
انسان‌نامه یا انسانیه یا علم‌القیافه یا علم فراست	۳۶
رساله نوریه یا نور یا انوار یا نورالحق یا رساله نوربخشیه	۳۷
رساله معراجیه	۳۸
رساله مکارم الاخلاق یا رساله اخلاقیه	۳۹
رساله معاش یا معاش السالکین	۳۹
رساله کشف‌الحقایق یا سلسله‌الذهب یا سلسله‌الاولیاء یا رساله در سلوک عرفانی	۴۰
رساله اعتقادیه یا الاعتقادات یا اصول اعتقادیه	۴۰
رساله‌الهدی	۴۱
رساله فواید	۴۲
تلویحات	۴۲

۴۳	شجره مشایخ یا الشجره الوفیه فی ذکر مشایخ الصوفیه
۴۳	رساله عرفانی یا رساله در سلوک
۴۴	۱-۱-۲ رساله‌های کوتاه با موضوع واحد
۴۴	اقسام دل
۴۴	بیان عوالم حس یا عوالم الخمس
۴۴	تفسیر آیه لقاء الله یا در بیان آیه‌ای از کلام الله
۴۵	شرح حدیث عما یا رساله در بیان حدیث
۴۵	فی معرفه الولی
۴۵	ارشاد نامه یا اجازه نامه به فرزندش شاه قاسم فیض بخش
۴۵	۱-۱-۳ آثار منظوم
۴۵	غزلیات
۴۶	مثنوی صحیفه الاولیا
۴۷	رساله واردات یا مثنوی در شطح
۴۷	اربعین نامه
۴۷	سوالات الف جوهر آذری
۴۸	۱-۱-۴ مکتوبات
۴۸	مکتوب سید محمد نوربخش به میرزا شاهرخ
۴۸	مکتوب سید محمد نوربخش به علاء الدوله
۴۸	مکتوب سید محمد نوربخش در جواب سئوال امیر کیا یا رساله قدم و حدوث
۴۹	جواب مکتوب امیر علاء الدین علی کیای گیلانی در معرفت ولی
۴۹	جواب مکتوب حکیم یا رساله نفس ناطقه
۴۹	مکتوب به مولانا حسن کرد یا رساله وجود مطلق
۴۹	جواب مکتوب فقها
۵۰	جواب به وزیر یا کشف و ریاضت
۵۰	مکتوب در نصیحت مریدان
۵۰	پاسخ محمد نوربخش به پزشکی
۵۱	آثار منسوب
۵۱	کشف الحقیقه فی بیان عوالم الکثره و الوحده
۵۲	نجم الهدی
۵۳	اوراد فتحیه
۵۳	شرح لمعات عراقی
۵۴	الفقه الاحوط

۵۶-۱۰۶

فصل سوم: بررسی آرا و اندیشه‌ها

۱. مولفه‌های اصلی اندیشه سیدمحمد نوربخش

۵۶

۵۷

۱-۱ تعالیم نظری

۵۷

۱-۱-۱ نور

۵۷

معنای نور در نزد صوفیه

۵۹

مراتب نور و جایگاه آن در عوالم خمس و صور فلکی از دیدگاه نوربخش

۶۱

انوار و الوان

۶۲

۲-۱-۱ معراج پیامبر(ص) و عروج اولیاءالله

۶۴

۳-۱-۱ فراست

۶۴

علم فراست در منابع اسلامی

۶۷

علم فراست از دیدگاه نوربخش

۶۸

۴-۱-۱ قیامت انفسی و آفاقی

۷۱

۵-۱-۱ فقه و فقر

۷۳

۲-۱ انعکاس تعالیم مکتب ابن عربی در آثار نوربخش

۷۳

تأثیر ابن عربی بر طریقه‌های تصوف

۷۵

اصول تعالیم ابن عربی

۷۵

ارتباط نوربخش و پیروان او با آثار و افکار ابن عربی

۷۹

جنبه‌های تأثیرپذیری نوربخش از ابن عربی

۷۹

وحدت وجود

۷۹

انسان کامل

۸۲

خاتم‌الولایه

۸۶

۳-۱ نگاهی تحلیلی به دعوی مهدویت نوربخش

۹۳

۴-۱ تعالیم عملی

۹۳

اطاعت از پیر

۹۶

آداب سلوک

۹۸

خلوت و چله‌نشینی

۱۰۱

واقعات عرفانی و تجلیات الهی

۱۰۲

تجلی، فنا و بقا

۱۰۴

اطوار سبعة ذکر

۱۰۷-۱۳۰

فصل چهارم: میراث معنوی نوربخش

۱۰۷

۱. طریقه نوربخشیه

۱۰۷

زمینه تاریخی

۱۰۸

ذهبیه

۱۱۰	نسبت خرقه سید محمد نوربخش
۱۱۲	نوربخشیه
۱۱۶	نوربخشیه از تبریز تا ترکیه
۱۱۷	نوربخشیه در قاهره و بغداد
۱۱۸	نوربخشیه در ایران بعد از صفویه
۱۲۰	نوربخشیه در شبه قاره هند
۱۲۰	نوربخشیه در کشمیر و بلتستان
۱۲۴	وضعیت فعلی نوربخشیه
۱۲۵	۲. تأثیر نوربخش بر جریان نزدیکی تصوف و تشیع
۱۲۵	همبستگی تصوف و تشیع
۱۲۶	نقش نوربخش در ترویج تشیع و پیوند آن با تصوف
۱۳۱	تصاویر و نماها
۱۳۳	فهرست منابع
۱۵۳	فهرست اعلام
۱۵۷	فهرست کتابها

تقدیم به: شہرام پازوکی

پیش‌گفتار

هر که تنها نادراً این ره برید هم به عون همت پیران رسید
دست پیر از غایبان کوتاه نیست دست او جز قبضه الله نیست

مولوی

سپاس خداوند بی‌همتایی را سزااست که توفیق همدمی با اهل عرفان را نصیب کرد و عمر گرانبهای را در همنشینی با معارف ناب عرفان اسلامی و عارفان مسلمان قرار داد که به حق، باطن دین را در آن باید جست، عرفان، نقطه اشتراک تمام ادیان جهان است و آن، توجه به جنبه‌های هنری، زیباشناسانه و ژرف‌نگرانه دین است که هر اندازه در زمانه پر آشوب ما بیشتر بدان پرداخته شود و میراث ارزشمند آن از قرآن، سنت و متون عرفانی ایرانی - اسلامی واکاوی شود انسان‌ها را آسان‌تر به حقیقت و معرفت و ژرفای دین راه خواهد بُرد. یکی از راه‌های درک این حقیقت، مطالعه و شناساندن شرح احوال اندیشه‌های ناب انسان‌های کامل و اولیای الهی است و در این میان، سید محمد نوربخش، در روزگار خود با پیروی و تأسی به قرآن و پیامبر^(ص) و ائمه معصومین^(ع) شمه‌ای از این دریای معرفت را برای جویندگان حقیقت بیان کرده است تا به مصداق کلام مولا علی^(ع) حامل نیکویی برای انتقال میراث معنوی اولیاءالله به اهلش باشد.

پس از انتشار کتاب «رسایل نوربخشیه سید محمد نوربخش» اینجانب، توسط انتشارات حقیقت در سال ۱۳۹۷، کتاب «آینه جمال»، را می‌توان مکمل و متمم و مفسر آن کتاب دانست که وعده انتشار آن داده شده بود و اینک به یاری حق تعالی در اختیار عرفان‌پژوهان و اهل معرفت قرار می‌گیرد. لازم است در این‌جا از تمام اندیشمندان و استادانی که در تألیف و تصنیف این اثر از کمک‌های فکری خود به این

حقیر دریغ نکردند، سپاسگزاری کنم. همچنین از مدیر محترم انتشارات مولی و همه گرامیان دست‌اندرکار این انتشارات که در به سامان آمدن این اثر نقش موثر ایفا کردند فروتنانه تشکر می‌کنم.

والحمد لله اولاً و آخراً

جمشید جلالی شیجانی

تهران، پاییز ۱۳۹۹

مقدمه

خوشا حال پرشور اصحاب عشق که مست‌اند از باده ناب عشق
 به زهد ارچه معروف بودم بسی کشیدم به میخانه قلاب عشق
 نسیمی که از کوی جانان وزد کند تازه جان‌های ارباب عشق
 گر امید آب حیات لبش نباشد بسوزد دل از تاب عشق

(نوربخش)

سید محمد نوربخش، از عارفان مهم و تأثیرگذار در تاریخ تصوف ایران در سده نهم هجری و بنیان‌گذار طریقه نوربخشیه است. ظهور وی، مقارن با دوران نابسامان عصر تیموری است. زندگی پر فراز و نشیب وی که با تبعید به بلاد مختلف ایران همراه بوده، نفوذ و تأثیر افکار و طریقه او را به دنبال داشته است. شخصیت و اندیشه او از جهاتی در هاله ابهام فرو رفته است و هرگاه نامی از وی به میان می‌آید دعوی مهدویت و داعیه حکومت و خلافت و شورش بر سلطان وقت، در اذهان تداعی می‌شود. البته باید اوج فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی صوفیه در ایران را، از قرن هفتم به بعد جستجو کرد. او در ظهور نهضت صفویان در ایران نقش مهمی را ایفا نموده است. میراث معنوی نوربخش، هم متأثر از آثار سیدعلی همدانی و علاءالدوله سمنانی و به طور کلی، طریقه کبرویه است و هم از افکار ابن عربی تأثیر پذیرفته است. آثار عرفانی ارزشمند وی که در قالب رسائل، مکتوبات و آثار منظوم است کمتر مورد توجه اهل تحقیق و پژوهش واقع شده است. مضامین آثار او در ابعاد خداشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی، و شامل تفسیر قرآن و تصوف و عرفان جلوه‌گر است. او

با اعتقاد به اصل تشیع معنوی و ایجاد پیوند میان تشیع و تصوف و نشر و گسترش تشیع، در قالب طریقه عرفانی نوربخشیه، در ایران و اقصی نقاط جهان، به خصوص در شبه قاره هند، تأثیر عمده‌ای را در این امر بر جای گذاشته است. در آموزه‌های نوربخش، هم جنبه‌های نظری و هم جنبه‌های عملی، هر دو، قابل تأمل و بررسی است. او هم به مثابه یک فقیه، از آداب شریعت و انجام تکالیف شرعی و حلال و حرام، سخن گفته و هم به مثابه یک عالم اخلاق، در فضایل و رذایل اخلاقی و پند و مواعظ، باب سخن گشوده و هم به مثابه یک متکلم و فیلسوف در مباحث حدوث و قدم و وجود مطلق استدلال کرده، و هم به عنوان سالکی مجرب، از احوالات و واقعات عرفانی و خطرات و دشواری‌های سلوک، صحبت به میان آورده است. نکته قابل توجه در تمام آثار او، توجه و تأکید عمده به تکامل بُعد روحانی و معنوی وجود انسان و دعوت او به انتخاب پیر و طی طریق و سلوک در جاده طریقت و حقیقت است.

آرای نوربخش و طریقه‌اش در تاریخ تصوف و تشیع، تأثیر بسیاری داشته و در واقع در دوره صفویه که با تصوف مخالفت می‌شود برخی از عالمان از جمله قاضی نورالله شوشتری و شیخ بهایی و... پیرو طریقه وی بوده‌اند. درباره انتساب دعوی مهدویت به نوربخش، شاید نتوان تردید کرد؛ اگرچه منظور وی از آن معلوم نیست؛ چنان که تفاسیر دیگری نیز از این معنی می‌توان به دست داد. برخی، این اتهام به وی را نادرست می‌دانند اما در این باب شواهد ضد و نقیضی وجود دارد که جای تأمل و بررسی دارد.

در فصل اول این کتاب به زندگی سید محمد نوربخش از اجداد وی تا تولد و اوضاع اجتماعی و سیاسی زمان وی و در نهایت سیر زندگیش تا مرگ و نگاهی نیز به خانواده نوربخش و معرفی فرزندان و اعقاب او پرداخته شده است. در فصل دوم نیز به میراث معنوی نوربخش توجه شده است. میان برخی از آثار نوربخش و معاصرینش خلطی رخ داده است و تعدادی از آن‌ها به اشتباه، جزء آثار وی معرفی شده است. معرفی آثار محتوم و منسوب به نوربخش با ذکر دلایل و شواهد؛ و تقسیم آثار به رسائل و مکتوبات و آثار منظوم از مطالب این فصل به شمار می‌رود لازم به یادآوری است که مطالب این فصل که پیش از این در مقدمه نگارنده بر تصحیح رسائل نوربخش آمده بود دلیل اهمیت موضوع، در این جا نیز به مکرر شده است. در فصل سوم، اندیشه‌های

نوربخش بر اساس «*رسائل نوربخشیه*» که پیش از این توسط نگارنده، با مقدمه و توضیحات، تصحیح انتقادی و منتشر شده، مورد تحلیل قرار گرفته داده است؛ تقسیم آموزه‌های نوربخش به نظری و عملی از طرق ممکن و میسر برای رسیدن به افکار وی است. در طرح هر موضوعی از آرای نوربخش در ابتدا تلاش شده تا نگاهی اجمالی و گذرا به آن موضوع در آثار و متون عرفانی قبل از وی داشته و بعد از آن دیدگاه نوربخش در آن موضوع مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. در فصل چهارم به بررسی گسترش نوربخشیه در ایران دوره صفویه و در خارج از مرزهای ایران تا شبه قاره هند و تأثیر نوربخش در پیوند میان تشیع و تصوف پرداخته‌ایم.

در ادامه لازم است به برخی از آثار، مقالات و رساله‌های مکتوب در مورد نوربخش اشاره کنیم؛ پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «فرقه نوربخشی» که توسط ناصرالدین شاه حسینی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران حدود شصت سال پیش دفاع شده است و مقاله‌ای که تحت همین عنوان توسط نامبرده در نخستین کنگره تحقیقات مطالعات ایرانی به صورت سخنرانی ایراد شده است. کتاب «تحقیق در احوال و آثار سید محمد نوربخش» تألیف آقای جعفر صدقیانلو اثر دیگری است که در سال ۱۳۵۱ منتشر شده است. در این اثر توجه چندانی به تمام ابعاد و زوایای زندگی نوربخش نشده و برخی از آثار نوربخش نیز به شکلی مغلوط تصحیح شده است. کتاب دیگر *Messianic Hopes and Mystical Visions: The Nurbakhshiya between Medieval and Modern Islam*. اثر شهزاد بشیر است که نویسنده، پایان‌نامه دکترای خود را تحت این عنوان منتشر کرده است. اثر دیگری از همین نویسنده که مقاله‌ای مستخرج از رساله دکترای وی است تصحیح انتقادی *رساله الهدی نوربخش* همراه با مقدمه‌ای بر آن است که با این مشخصات منتشر شده است:

The Risalat Al-Huda of Muhammad Nurbakhsh: Critical Edition With Introduction", *Rivista Degli Studi Orientali*, 75, nos.1-4(2002):57-137.

مقاله‌ای تحت عنوان «نوربخشیان» نیز توسط مولوی محمد شفیع در شماره ۳ از

مجله اورینتال کالج مگزین چاپ شده که یک مقاله آن در شماره ۳ مجله معارف به چاپ رسیده است.

اثر دیگر تحت عنوان «محمد نوربخش: الرسالة الاعتقادیه» است که توسط ماریان موله در مجله المعهد الفرنسی للدراسات الشرقيه، در دمشق در سال ۱۹۶۱-۱۹۶۲ ص ۱۴۸-۲۰۳ منتشر شده است. اصل مقاله به زبان فرانسوی است.

دو رساله نوریه و اعتقادیه نوربخش نیز به زبان اردو همراه با متن اصلی، بدون تصحیح انتقادی با مشخصات زیر در پاکستان منتشر شده است: حسنو، غلام حسن، ترجمه و تحقیق و تعلیق نوریه، تألیف میر سید محمد نوربخش، خپلو بلتستان، هارون بکس ایند سپورلس سنر، ۲۰۰۵ م. و ابویاسر، مترجم اردو کتاب الاعتقادیه، کراچی، انجمن صوفیه نوربخشیه.

فصل اول

زمانه و زندگی سید محمد نوربخش

۱. نگاهی به اوضاع سیاسی، اجتماعی و مذهبی مقارن ظهور نوربخش

دوره زندگی سید محمد نوربخش، مصادف است با تسلط تیموریان و ترکان آق قویونلو و قره قویونلو بر ایران؛ از این دو طایفه دو تن یعنی شاهرخ تیموری^۱ و میرزا علاءالدوله^۲

۱. یکی از نامه‌های نوربخش که نسخه خطی آن تحت عنوان «مکتوب سید محمد نوربخش به میرزا شاهرخ» به شماره ۶۳۲۳/۱۸ در کتابخانه ملک موجود است خطاب به شاهرخ است. نیز نک: «اولین مهدی و مظهر در ایران» (۱)، نشریه ارمغان، صص ۴۸۵-۴۸۷؛ صدقیانلو، جعفر، تحقیق در احوال و آثار سید محمد نوربخش، صص ۷۳-۷۷؛ نوایی، عبدالحسین، اسناد و مکاتبات تاریخی ایران، صص ۱۵۰-۱۵۴

۲. نسخه خطی «مکتوب سید محمد نوربخش به علاءالدوله»، به شماره ۳۶۵۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و شماره ۴۱۹۰ در کتابخانه ملک موجود است. نک: صدقیانلو، همان، صص ۷۸-۸۲

پسر بایسنقر و نوه شاهرخ، با وی تماس داشتند. دوره حکومت تیموریان در ایران از سال ۸۰۷ ق. / ۱۴۰۵ م. تا ۱۵۰۷/۹۱۳ به درازا کشید.^۱ تاریخ سیاسی این دوره با ظهور تیمور (۷۳۶-۸۰۷ ق.) در سال ۷۷۱ ق.^۲ و تجزیه تدریجی امپراطوری پهناور او به دست جانشینانش متمایز شده است. دوره سی ساله حکومت تیمور برای ایران، دوره نهب و غارت و وحشت و اضطراب و از هم گسیختگی امور بود. خشونت‌های ناشی از لشکرکشی‌های تیمور که با نزاع مداوم جانشینانش تداوم پیدا کرد، فضای بی ثبات سیاسی و اجتماعی طولانی مدت را در پی داشت.^۳ اهمیت دوره تیموریان در تاریخ ایران، بیشتر در تحولات فکری، مذهبی و فرهنگی‌ای نهفته است که در این روزگار شکل گرفت. این مسائل در اواخر قرن نهم، تحولات و تغییرات بنیادی در پاره‌ای از جهان اسلام و به ویژه سرزمین ایران ایجاد کرد.

منابع تاریخی در مورد خصوصیات روحی و اخلاقی تیمور، ضد و نقیض، باب سخن گشوده‌اند.^۴ در باب دین‌داری تیمور و جنبه مزورانه و دروغ آن، جای شکی نیست و حتی سیاست وی آن بود تا از کلیه ابزارها برای موفقیت خود استفاده کند. در میان این ترفندها آنچه او را بیش از همه به موفقیت نزدیک‌تر کرد توجه او به تصوف و مشایخ صوفیه بود که در واقع محبوبیت فراوانی در میان مردم داشتند. تیمور از همان ابتدای جوانی، پیوندهای محکمی با صوفیان داشت.^۵ او برای پیشبرد اهداف سیاسی خود به دراویش و بزرگان تصوف، احترام می‌گذاشت بلکه به هر جا می‌رسید خانقاه و

۱. رویمر، ه.ر.، «جانشینان تیمور»، تاریخ ایران در دوره تیموریان، ترجمه یعقوب آژند، ص ۱۰۷

۲. یزدی، شرف الدین علی، ظفرنامه، به تصحیح و اهتمام محمد عباسی، ص ۱۵۸

۳. یارشاطر، احسان، شعر فارسی در عهد شاهرخ، ص ۷ و ص ۲۹-۴۱؛ نظری، معین الدین، منتخب التواریخ، به تصحیح ژان اوین، ص ۳۰۷

۴. نک: ابن عربشاه، عجائب المقدور فی اخبار تیمور، ترجمه محمد علی نجاتی، تحت عنوان: زندگانی شگفت آور تیمور، ص ۲۳۹-۲۹۴؛ سمرقندی، عبدالرزاق، مطلع السعاهین و مجمع البحرین، تصحیح عبدالحسین نوایی، ج اول، ص ۳۳۴

۵. برای مطالعه بیشتر نک: صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، جلد ۴، ص ۴۴-۴۵؛ حسینی تیموری، ابوطالب، تزویرات تیموری، ص ۱۷۴-۱۷۶؛ ابن عربشاه، همان، ص ۶؛ یزدی، همان، ص ۲۲۸؛ زمجی اسفزاری، معین الدین محمد، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، با تصحیح و حواشی و تعلیقات سید محمد کاظم امام، بخش ۱، ص ۱۷؛ مرتضوی، منوچهر، مسائل عصر ایلخانان، بخش‌های دوم و سوم، ص ۱۶۷-۳۵۰

مدرسه و رباط می ساخت.^۱ این رویه تیمور باعث شد که فرزندان و جانشینان او سلسله‌ای از اعتقادات را بپذیرند و همین موضوع به دوره تیموری، نوعی صبه خاص مذهبی می‌بخشد. احترام به مشایخ زاهدان، عابدان، عالمان و سادات در دوره تیموری باب شد؛ چنان‌که سراسر تاریخ تیموریان به ویژه دوره شاهرخ، مشحون از ابراز اعتقاد شاهان و شاهزادگان به طبقات مذکور است.^۲

شاهرخ (۷۹۹-۸۵۰ق)، چهارمین و آخرین فرزند ذکور تیمور، که در آغاز جوانی از ارکان مهم دولت تیموری به شمار می‌رفت در سال ۷۷۹ق. به حکومت خراسان و سیستان و مازندران رسید و سرانجام در سال ۸۰۷ق. در هرات به تخت سلطنت نشست.^۳ شاهرخ و دو پسر مورد اعتماد وی یعنی بایسنقر و الغ بیگ و همسرش گوهرشاد آغا به سبب علاقه خاصی که به آباد ساختن شهرها و رفاه رعیت داشتند، بسیاری از ویرانی‌های تیمور را جبران کردند. در این دوره، هرات و سمرقند و تبریز و شیراز، که مراکز عمده تیموریان بودند، آباد شدند.^۴ سلطنت طولانی شاهرخ (۸۰۷-۸۵۰ق.) در نظر اول، تصویر نسبتاً مطلوبی را از آن زمان، ارائه می‌دهد. دولت وی از هرج و مرجی که پس از مرگ تیمور، انتظار خطر آن می‌رفت درامان ماند و در بعضی نواحی، پیشرفت‌های اقتصادی و فرهنگی صورت گرفت.^۵ در این عصر روح مذهبی بیش از پیش تقویت گردید. خود شاهرخ در ظاهر مردی متدین و هوادار اسلام بود، به اولیا و مشایخ و زهاد و بزرگان دین، اعتقاد داشت و از آنان در پیشرفت امور کمک می‌خواست، و دوبار در سال‌های ۸۱۴ق. و ۸۲۱ق. به زیارت مرقد حضرت علی بن موسی الرضا^(ع) رفت.^۶

شراب در دوره او ممنوع شد.^۷ در نظر افرادی که اعمال شاهرخ را مطابق احکام

۱. بوزجانی، درویش علی، *روضه الراحین*، به اهتمام حشمت مؤید، ص ۱۰۸

۲. صفاء، همان، ص ۴۷؛ فروزانفر، بدیع الزمان، *تاریخ ادبیات ایران*، ص ۴۷۵

۳. خوافی، فصیح احمد بن جلال الدین محمد، *مجمعل فصیحی*، به تصحیح و تحشیه محمود فرخ، ج ۲، ص ۱۱۱؛ سمرقندی، دولت‌شاه، *تذکر الشعراء*، به همت محمد رضائی، جلد ۲، ص ۲۵۵؛ میرخواند، روضه الصفاء، تهذیب و تلخیص عباس زریاب خویی، جلد ۴-۶، ص ۱۱۲۶

۴. یازشاطر، همان، ص ۱۲

۵. رویمر، همان ص ۱۱۳

۶. خواندمیر، *تاریخ حبیب السیر*، مقدمه به قلم جلال الدین همایی، جلد سوم، ص ۶۰۲-۶۰۳

۷. سمرقندی، همان، ص ۷۳۹-۷۴۰

اسلامی می‌دانستند، او یک حاکم مسلمان بود.^۱ نتیجه‌ای که از این طرفداری و حمایت و علاقمندی، حاصل شد آن بود که مطالعات و مباحثات دینی، رواج بسیار یافت. وعده کسانی که به جامعه اهل مذهب وارد می‌شدند، فزونی گرفت. مساجد و خانقاه‌ها و مکاتب و مدارس بسیار، در کشور ساخته شد و مذهب بیش از پیش بر جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی، تسلط یافت.^۲

بدیهی است که همراه مبالغه‌هایی که در اعتقادات می‌شد، بازار تعصب نیز بی‌رواج نمی‌ماند. لیکن موضوع اساسی در این عهد، تعصب اختلاف اهل سنت با شیعه بود، با این تفاوت که در گرو دار این تعصبات، تشیع به طرف قوت و تسنن به جانب ضعف می‌رفت. سلاطین و شاهزادگان تیموری بر مذهب حنفی بودند، اما اثری از پافشاری و رجحان مذهبی بر مذهب دیگر، وجود نداشت و روحیه آزاد منشی در برخی از سلاطین این سلسله همانند ابوالقاسم بابر (متوفی ۸۶۱ق.) در اعتقاد به هر دو فرقه دیده می‌شد.^۳ به طور کلی در این عصر، شیعیان در پیروی از عقاید خود و اشاعه افکار خویش، آزادی داشتند و در اواخر این دوره، از حمایت سلطان تیموری، سلطان حسین بایقرا و وزیر دانشمند و مدبرش امیرعلیشیر که خود مذهب شیعه داشت، برخوردار بودند. می‌توان گفت اواخر دوران تیموری برای ترویج تشیع، موقع مناسبی بود. در برخی منابع تاریخی از تندروی‌ها و مخالفت شیعیان با سنیان در این دوره، صحبت به میان آمده است.^۴ هر چند این مخالفت‌ها همچنان غلبه حنفیان تیموری را به دنبال داشت، اما خود مقدمه سودمندی گشت برای قیام نهایی و غلبه قطعی آنان در آغاز قرن دهم هجری و تبدیل مذهب رسمی ایران از تسنن به تشیع، به دست فرمانروایان صفوی.^۵

۱. رویمر، همان‌جا

۲. یارشاطر، همان، ص ۱۵

۳. صفا، همان، ص ۵۲-۵۶

۴. زمجی اسفزاری، همان، بخش ۲، ص ۳۲۸

۵. یارشاطر، همان، ص ۱۴-۱۷؛ صفا، همان، ص ۴۳-۵۸